

بیندیشید
و
ثروتمند شوید

نسخه اصلی و
بدون سانسور

ناپلئون هیل

ترجمه اختصاصی توسط رویال مایند

توجه:

این کتاب اولین کتابی است که

ناپلئون هیل به سفارش اندرو کارنگی در دهه 1920 بعد از 20 سال

تحقیق و پژوهش تالیف کرده است.

اما به دلیل حجم زیاد این نسخه‌ی اولیه، حدود یک دهه بعد یعنی در سال

1938 نسخه خلاصه شده این کتاب را با عنوان بیندیشید و ثروتمند شوید به

چاپ رساند.

تمام نسخه‌های ترجمه شده در ایران

در واقع ترجمه‌ی نسخه‌ی خلاصه شده‌ای هستند که در سال 1938 به چاپ

رسیده است. به همین دلیل این نسخه‌ی اولیه

کاملاً از لحاظ ساختار و فصل بندی با نسخه خلاصه شده‌ای

که در ایران به چاپ رسیده است متفاوت است.

تقدیم به

اندرو کارنگی

که پیشنهاد تالیف این کتاب را به من ارائه داد

و

هنری فورد

که دستاوردهای شگفت‌انگیزش، الهام‌بخش تمامی این ۱۶ فصل بود

و

ادوین بارنز

شریک تجاری توماس ادیسون، که دوستی نزدیک او برای مدت ۱۵ سال، به من کمک کرد بر سختی‌ها و شکست‌های مقطعی در مسیر خلق این اثر غلبه کنم.

چه کسی گفته نمی‌توانید موفق
شوید؟ و این فرد چه سابقه
درخشانی دارد که شما را مجاب
می‌کند به قضاوت او اعتماد کنید.
- ناپلئون هیل

سخنی از نویسنده

حدود سی سال پیش، روحانی جوانی به نام گونزالس در روزنامه‌های شیکاگو اعلام کرد، که قصد دارد صبح روز یکشنبه بعدی، خطابه‌ای با این عنوان ارائه دهد:

«اگر یک میلیون دلار داشتم با آن چه می‌کردم!»

این اطلاعیه نظر فیلیپ دیو آرمور، که غول صنعت بسته‌بندی بود، را به خود جلب کرد و تصمیم گرفت در این سخنرانی شرکت کند.

گونزالس در این سخنرانی مدرسه‌ی رویایی‌ای را توصیف کرد، که در آن به مردان و زنان جوان آموزش داده می‌شد تا مسیر موفقیت را به جای اندیشه، با عمل طی کنند؛ جایی که «یادگیری با اقدامات عملی» به آنها آموزش داده می‌شود. روحانی جوان گفت، «اگر یک میلیون دلار داشتم، چنین مدرسه‌ای را تاسیس می‌کردم.»

پس از اینکه سخنرانی تمام شد، آقای آرمور از صندلی‌اش بلند شد و آهسته خودش را به میز خطابه رساند، «ای مرد جوان، من باور دارم که اگر یک میلیون دلار داشته باشی، می‌توانی تمام کارهایی که گفتی را انجام بدهی، و اگر فردا صبح به دفتر کار من بیایی، یک میلیون دلاری که می‌خواهی را به تو می‌دهم.»

این رویداد نقطه شروع موسسه تکنولوژی آرمور بود، که امروزه نیز یکی از کاربردی‌ترین مدارس در تمام کشور است. این مدرسه در ابتدا در «دنیای تخیل» یک مرد جوان شکل گرفت. اگر به خاطر این

تصورات و سرمایه آقای فیلیپ دی. آرمور نبود، نام و آوازه این فرد هرگز از جامعه کلیسایی که برای آنان خطابه ایراد می کرد، بیرون نمی رفت.

فردی که برنامه عملی معتبری برای دستیابی به هدفش ایجاد کرده باشد، پول مورد نیاز برای اجرایی کردن آن را خواهد یافت.

همه راه آهن ها، و همه موسسات مالی، و همه کسب و کارهای غول پیکر، و همه اختراعات و ابداعات بزرگ، در آغاز تنها در ذهن یک فرد شکل گرفته اند.

اف. وولورث پیش از اینکه فروشگاه های زنجیره ای ۵ و ۱۰ سنتی را در دنیای واقعی ایجاد کند و مولتی میلیونر شود، آن را در ذهنش خلق کرده بود.

توماس ادیسون، ماشین مکالمه و لامپ الکتریکی رشته ای و هزاران اختراع دیگر را ابتدا در ذهنش خلق کرد، سپس آنها را به معادل فیزیکی شان در دنیای واقعی تبدیل کرد.

در زمان آتش‌سوزی شهر شیکاگو، ده‌ها تاجر و مغازه‌دار شاهد بودند که محل کسب و کارشان دود می‌شود و به آسمان می‌رود. بسیاری از آنها تصمیم گرفتند به شهرهای خودشان برگردند و در آنجا کارشان را از نو شروع کنند. در این میان، مردی به نام مارشال فیلد، توانست در محل فروشگاه قبلی‌اش که اکنون به تلی از خاکستر تبدیل شده بود، بزرگترین خرده‌فروشی جهان را در ذهنش متصور شود. این خرده‌فروشی چندی بعد به واقعیت تبدیل شد.

چه خوشبخت است، مرد یا زنی، که استفاده درست از قوه‌ی تخیل را در سنین پایین فراگیرد.

تجسم و تصویرسازی ذهنی، قابلیت ذهنی‌ای است که می‌توان با تمرین و استفاده مکرر، آن را توسعه و گسترش داد. بدون قدرت تجسم، این کتاب هرگز خلق نمی‌شد، زیرا کتابی که در حال خواندن آن هستید نیز، قبل از اینکه تالیف و چاپ شود، در ذهن من ایجاد شده بود.

موفقیت به تلاش فردی نیاز دارد، اما اگر اعتقاد دارید که تلاش فردی برای دستیابی به اهداف کفایت می‌کند و بدون استفاده از همکاری دیگران می‌توانید به موفقیت دست پیدا کنید، کاملاً در اشتباه هستید.

تنها بخشی از مسیر موفقیت، که کاملاً به تلاش فردی شما وابسته است، مرحله تصمیم‌گیری درباره هدف است. شما باید خودتان انتخاب کنید که می‌خواهید در زندگی به چه دستاوردهایی برسید. برای اینکار به قدرت تجسم و تصویرسازی ذهنی نیاز دارید. پس از این مرحله، برای دستیابی به موفقیت باید این توانایی را داشته باشید که دیگران را متقاعد و مجاب به همکاری با خودتان کنید.

پیش از اینکه بتوانید حق درخواست همکاری دیگران را به خودتان بدهید، باید خودتان تمایل داشته باشید با دیگران همکاری کنید. از این رو، شما باید با جدیت بر هشتمین درس از این کتاب، «عادت به تلاش بیشتر از سطح وظایف تعیین شده»، تمرکز کنید و به آن بیانیدیشید.

در آخرین صفحات فصل اول این کتاب یک چارت ارائه شده است، که در آن ده فرد مشهور را برای شما تحلیل کرده‌ایم، تا بتوانید ویژگی‌های آن‌ها را مطالعه کنید و آنها را با یکدیگر مقایسه کنید. این چارت را با دقت بررسی کنید، و شاخص‌های خطرناک را مد نظر قرار دهید، چون نادیده گرفتن این نکات موجب شکست شما خواهد شد. در میان این ده فرد، هشت تن از آنها به عنوان افرادی موفق شناخته می‌شوند، در حالی که دو فرد دیگر ناموفق به حساب می‌آیند. دلایل شکست این دو مرد را با دقت مطالعه کنید.

سپس، خودتان را تحلیل و مطالعه کنید. دو ستون از این جدول خالی گذاشته شده است، و از شما خواسته می‌شود که پیش از مطالعه‌ی ادامه‌ی کتاب در تمام ۱۵ قانون موفقیت به خودتان نمره بدهید؛ در انتهای کتاب بار دیگر به خودتان امتیاز بدهید و پیشرفت خودتان را بررسی کنید.

هدف این کتاب، توانمندسازی شما برای یافتن راه موفقیت در حوزه کاری خودتان است. بدین منظور، در این دوره شما آنالیز خواهید شد و تمام ویژگی‌ها و استعدادهای شما طبقه‌بندی می‌شود، تا بتوانید آنها را سازماندهی کنید و به بهترین نحو از آنها استفاده کنید.

هزاران نفر بر روی معدن مس کالومت قدم زدند اما آن را کشف نکردند. تنها یک مرد توانست قوه تخیلش را به کار ببندد، چند متر زمین را بکند، با پشتکار به کندوکاو آن منطقه بپردازد، و غنی‌ترین معدن مس بر روی زمین را کشف کند.

شما و هر فرد دیگری نیز، در مقطعی از زندگی بر روی «معدن کالموت» خودتان قدم خواهید زد. اکتشاف، به کندوکاو و قدرت تجسم نیاز دارد. این کتاب می‌تواند شما را به سمت معدن کالموت زندگیتان هدایت کند. شاید متوجه شوید که هم اکنون بر روی معدن کالموت قرار دارید. راسل کانول، در کتاب «کشتزارهای الماس»، به ما گوشزد می‌کند که فرصتها لزوماً در دوردستها نیستند؛ شاید بتوانیم در اطراف خودمان آنها را بیابیم! این حقیقتی است که هرگز نباید فراموش کنید!

این دوره حاصل بررسی دقیق داستان زندگی بیش از صد مرد و زنی است، که در حوزه فعالیت خودشان به موفقیت‌های نامتعارفی دست پیدا کرده‌اند.

من بیش از بیست سال از عمر خودم را به گرد آوری، طبقه بندی، آزمایش و سازماندهی اطلاعات این کتاب، صرف کرده‌ام. من در این مسیر از کمک افراد زیادی، با مراجعه به آنها و یا مطالعه زندگیشان، بهره برده‌ام که نام برخی از این افراد در ادامه ذکر شده است:

هنري فورد	تئودور روزولت
ويليام رايجلي	ويليان هاوارد تفت
جان واناميكور	لوثر بوربانك
جيمز جى. هيل	ادوارد بوك
جرج اس. پاركر	فرانك اى. مونسي
اى. ام. استاتلر	البرت اچ. گري
هنري ال. دوهرتي	دكتور الكساندر گراهام بل
سيروس اچ. كى. كورتيس	جان اچ. پترسون
جرج ايستمن	جوليو روزنوالد
چارلز ام. شواب	استوارت آستين واير
هريس اف. ويليامز	دكتور فرانك كرين
دكتور فرانك گنزالس	جرج ام. الكساندر
دنيل ويلارد	جى. جى. چاپلين
كينگ گيلت	سناتور جنينز رندولف
رلف اى. ويكس	جان داويس
قاضى دانيال تى. رايت	البرت هابارد

ویلبار رایت	جان دی. راکرفلر
ویلیان جنینگز برایان	توماس ای. ادیسون
دکتر دیوید استار جردن	فرانک ای. وندرلیپ
جی. ادگن آرمور	اف. وولورث
آرتور بریسبین	رابرت ای. دلار
کاپیتان جرج ام. الکساندر	ادوارد ای. فیلن
ساموئل اینسول	ادوین سی. بارنز
	آرتور ناش
	کلرنس دارو

در بین افراد ذکر شده، هنری فورد و اندرو کارنگی، بیشترین تاثیر را در خلق این کتاب داشته اند، زیرا اندرو کارنگی فردی بود که برای اولین بار پیشنهاد نوشتن این کتاب را به من ارائه داد، و دستاوردهای شگفت انگیز هنری فورد الهام بخش بیشتر محتویات این کتاب بوده است.

برخی از این افراد دیگر در میان ما نیستند، اما در اینجا تمایل دارم از خدمات ارزنده افرادی که هنوز در قید حیات هستند تشکر کنم، بدون کمک آنها هرگز نمی توانستم این کتاب را خلق کنم.

من اکثر این افراد را از نزدیک می شناختم. رابطه دوستانه من با اکثر این افراد، من را قادر ساخت تا اصول موفقیت را گردآوری کنم. در غیر این صورت هرگز نمی توانستم به این اطلاعات دسترسی داشته باشم.

من بسیار خرسندم که افرادی که در خلق این کتاب به من کمک کرده اند، لیستی از قدرتمندترین افراد دنیا هستند. در اینجا می‌خواهم از خدمات تک تک آنها سپاسگزاری کنم.

این کتاب، فلسفه و قوانینی را که این افراد را در حوزه کاری شان به اوج قدرت رسانده است، خلاصه می‌کند. هدف من این است که به ساده‌ترین شکل ممکن محتوای این دوره را ارائه کند، تا حتی مردان و زنان جوان دبیرستانی نیز بتوانند، آن را درک کنند و به کار ببندند.

قاضی البرت گری در وصف این کتاب می‌گوید: « دو ویژگی خاص این کتاب من را شدیداً تحت تأثیر قرار میدهد. ویژگی اول سادگی کلام آن است، و دیگر اینکه صحت آن به حدی مشهود است که هر کسی بی درنگ پذیرای آن خواهد بود.»

در اینجا لازم می‌دانم به خوانندگان این کتاب تذکر بدهم که قبل از خواندن تمام ۱۶ درس، نسبت به این دوره قضاوت نکنند.

فردی که با ذهنی باز این دوره را آغاز کند و تلاش کند در طول مطالعه این کتاب ذهن خود را باز نگه دارد، پادشاه‌های ارزشمندی از جمله کسب دیدگاهی دقیق‌تر و پخته‌تر نسبت به زندگی را کسب می‌کند.

ناپلئون هیل